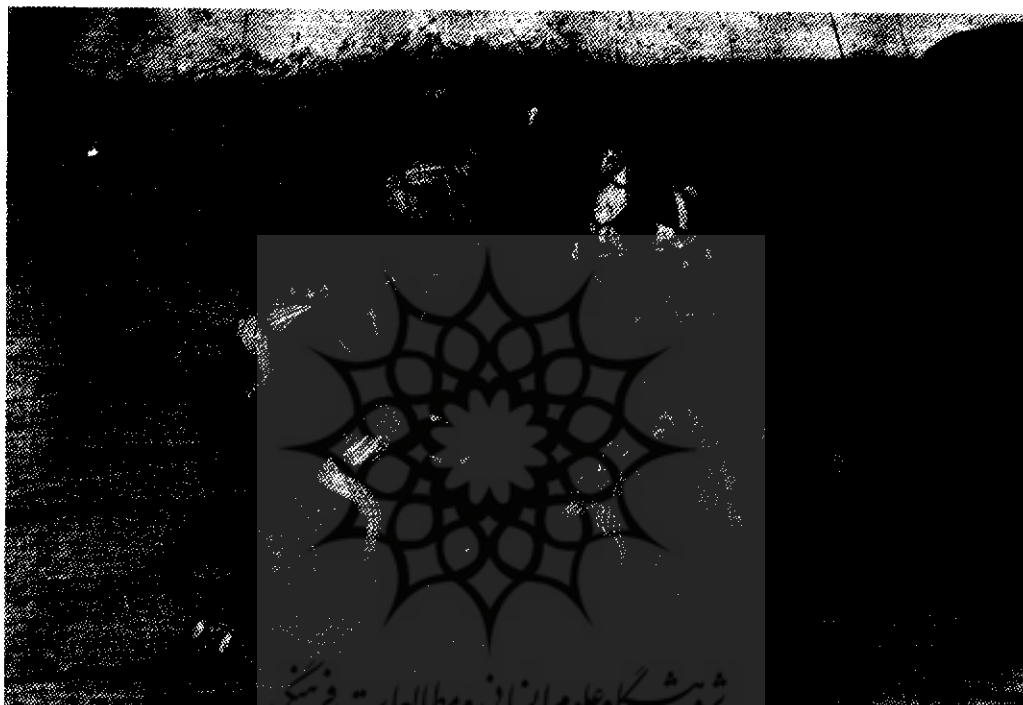


در آثار استاد کریمی پیوند تاریخی مینیا تور قطع نشد

جمال‌الدین خزّمی نژاد



- چوگان بازی ۱۳۵۳

خزّمی نژاد کم و کوتاه اما عمیق و نکته‌سنجانه سخن گفته. یادکرد نقش و نام کریمی به قلم وی، محتوای مقاله حاضر است.

در سال ۴۲ یا ۴۳ که استاد کریمی آنلیه‌ای در خیابان فردوسی داشت، من هنرجوی هنرستان بودم و می‌رفتم کارهایشان را می‌دیدم. ایشان در صورت‌سازی دست قویی داشت؛ یعنی پرتوها و شبیه‌سازیهایی که روی عاج ساخته خیلی قوی بود. اصولاً دست توانایی دارد و به هر حال می‌توان گفت که ایشان حرکتی را که حسین بهزاد ایجاد کرد کاملتر نمود. در حدی که من آثارشان را



-رقص سماع ۱۳۶۸

می‌کشند، مقداری هم ختایی و ترنج و گل شاه‌عباسی اضافه می‌کنند و اسمش را مینیاتور می‌گذارند؛ در صورتی که این اصلاً مینیاتور نیست. در زمان کنونی، من فقط مینیاتورهای استاد مطیع را می‌پذیرم و بس.

الان کارشناسان یا منتقدان خارجی هم نظرشان بر این است که مینیاتور ما رو به انحراف است و از آن خط اصیل مینیاتور خارج شده است و به هر چیزی می‌گویند مینیاتور، در حالی که مینیاتور نیست. مینیاتور ویژگی‌ها و تاریخی دارد که اگر آنها را دارا باشد، نام مینیاتور یا نگارگری ایرانی را روی آنها می‌نهم. هر چیزی به صرف

در موزه هنرهای ملی دیده‌ام، می‌توانم بگویم هنرمند واقعاً ارزشمندی است. من کارهای متحولانه ایشان را ندیده‌ام ولی گمان می‌کنم که جزو شاگردان استاد هادی‌خان تجویدی باشند. اینها گروهی بودند از جمله مرحوم زاویه، مرحوم مقیمی و نیز آقای علی مطیع که مینیاتور را واقعاً خوب و سالم به منصه ظهور رساندند. هرچند اگر نوآوری هم کرده باشند، نوآوری‌شان صدمه‌ای به مینیاتور و تاریخ مینیاتور وارد نکرد. البته اکنون انحرافات در مینیاتور هست، اما اینان رشته ارتباط و تاریخ هنری را با مینیاتور دوره گذشته قطع نکردند. در آثار آقای کریمی، یا کارهای مرحوم زاویه و مرحوم مقیمی و اکنون فقط در آثار استاد مطیع، نشانه‌های مینیاتور مکتب هرات یا مکتب تبریز را می‌بینیم؛ یعنی آن ویژگی‌هایی که مینیاتور باید داشته باشد در کار ایشان تا حدود زیادی به چشم می‌خورد. هرچند اگر قدمی پیش گذاشتند یا رنگی را به تاریخ رنگ ایران اضافه کردند، به هر حال ویژگی‌هایی دارند که خیلی مغایر با مینیاتورهای قدیم نیست. مثلاً پرداخت اندکی زیاد شده، ساخت و ساز زیاد شده، پرسپکتیو را بها دادند و به حجم خیلی توجه کردند. اما احساس می‌کنیم که این مینیاتور، مینیاتوری است که در ادامه مکاتبی چون تبریز و هرات و جز آن سه وجود آمده است. ولی در آثار مینیاتورهای معاصر ما - که خیلی هم ادعای استادی دارند - چیزی که اساساً کمتر مشاهده می‌گردد ارتباط تاریخی مینیاتور است. آنچه فقط به عنوان نشانه‌هایی اندک از آن قضا یا مانده یک شال کمر است، مقداری بیچش مو و تاب به کمر. ولی ما جز این چیزی نمی‌بینیم و صرفاً زیبایی‌سازی و بزک کردن کار است که به چشم می‌آید. در حالی که ما در کارهای قدیم می‌بینیم که با ساده‌ترین شکلها و ساده‌ترین قلم‌گیرها، محتوایی عظیم به کار بخشیده‌اند. الان بیشتر نقاشیهای ما کپی‌هایی از نقاشان اوربانتالیست غربی است، با یک ساخت و ساز جدیدتر. دستی روی نقاشیهای اوربانتالیست

را که در مینیاتور هست از تابلو بردارید، آنچه می‌ماند دقیقاً یک نقاشی ساده غربی است. به این جهت من واقعاً برای آینده مینیاتور احساس خطر می‌کنم. در تذهیب هم همین‌طور، بیشتر فرمهای رومی و فرنگی و گچبری خارجی را به بهانه‌های مختلف وارد تذهیب و حاشیه‌سازهای ما کرده‌اند که اشتباه است.

من بیشتر کارهای نو استاد کریمی را نقاشی می‌دانم تا مینیاتور. چرا که اینگونه آثار از آن فضاهاى خاص مینیاتور خارج شده‌اند. به نظر من اگر این نوع کارها را تجزیه و تحلیل کنیم، می‌توانیم قالب ویژه‌ای برایش بیابیم. مثلاً من با کارهای مرحوم صدرالدین شایسته شیرازی آشنا هستم. من ایشان را به عنوان یک «پوانتالیست» می‌شناسم. شایسته درست هم‌زمان با امپرسیونیستها زندگی می‌کرد و در آثارش اگر نگاه کنید نشانه‌های پرداز نیست، بلکه یک نوع نقطه‌گذاری است که پوانتالیستها در کارهایشان به خدمت گرفته‌اند. این فکر فوق‌العاده بالا و جهانیتر از نگارگری در عصر و زمان خود بود. وفرماسیونی که مرحوم شایسته در فرمها و آناتومی به وجود آورده خیلی باجرات است. اینها را نمی‌توان گفت مینیاتور است. اینها نوعی از نقاشی با سبک خاص خودشان است که براساس سلیقه نقاش کار شده است. استاد کریمی تواناییهای این را دارند که اگر قدم تازه‌ای هم برداشته‌اند، این قدم، سالم برداشته شده باشد. چون هم از نظر تکنیکی و هم از نظر دانش هنری، تواناییهای بالایی دارند و جزو هنرمندانی هستند که واقعاً ارزشمندند.

تخصّص من در کار نقاشی، گسرافیک و ایلوستراسیون است. اصلاً ما جزو قدیمیترین کشورهایی هستیم که تصویرسازی در کتابهای ادبی یا متون مذهبی و حماسیمان هست و تاریخ بسیار غنی داریم و نشانه‌های زیادی هم برای اثبات این مدعا در دست داریم. مینیاتور گاهی به عنوان زینت روی دیوار و گاه به عنوان یک تابلو یا قطعه یا کار قطاعی انجام



اینکه گردشهای ختایی و اسلیمی رویش بگذاریم، مینیاتور نیست. نگارگری ایرانی اصولاً شرایط خاصی دارد، از جمله در رنگ و نوع قلم‌گیری. در مینیاتور، ساده‌ترین قلمها به کار می‌رود و فضا‌سازهای خاص دوران مختلف که نقاشان تجربه کرده‌اند، ممیّز و شاخص این هنر است. الان اگر در مینیاتورهای نو بنگریم، صورت زنی که کشیده‌اند دقیقاً فرنگی است، با دماغهای سربالای عمل کرده و گونه‌های کشیده که هیچ نشانه‌ای از نژاد ایرانی در آنها نیست؛ یا حتی در نوع رنگهایی که به کار رفته. کافی است که آن مقدار عناصری

می‌شده است، ولی عمده‌ترین بُرد مینیاتور در ایلوسترسیون است؛ یعنی تصویرسازی برای موضوع. الان تصویرسازی در دنیا از شیوه‌های بسیار جدیدی برخوردار است و ما جنبه‌های مدرن کار ایلوسترسیون را در نمایشگاه‌های مختلف می‌بینیم. از این طرف نگارگری ایرانی که همان مینیاتور است تواناییهایی دارد. پاره‌ای از موضوعهایی که جنبه‌های عرفانی و شاعرانه دارند و بسیار هم لطیف‌اند نیاز به یک تکنیک خیلی نازک و لطیف دارند که بهترینش برای ما همین مینیاتور است، منتها اسلوبهای نو و مدرن تصویرگری را باید مطمح‌نظر قرار دهیم. وقتی که جرأت نقاش دوره صفویه - یعنی چهارصد یا پانصدسال پیش - را می‌بینیم که کادر را می‌شکنند، پرسوناژ را از کادر بیرون می‌آورد و یک عنصر را بالای متن قرار می‌دهد - این جزو جرأت‌های عجیب است؛ یعنی چیزی است که واقعاً نشان می‌دهد نگارگران ما تا چه اندازه تواناییهای خیره‌کننده‌ای در زمان خود داشته‌اند - ما باید براساس همان خلافتها، الان حرف بهتر و گویاتری بزنیم و به نوع تصویرسازی اهمیت دهیم. کمتر درگیر تزئین باشیم و بیشتر به معانی و مفاهیم پردازیم. سعی نکنیم بیننده را فقط با نقاشی چشم‌های خمار و کمرهای پیچ و تاب داده و زیباییهای تصنعی فریب دهیم؛ محتوا را ارزش بگذاریم.

مینیاتور هم می‌تواند در نوع خودش برخی از موضوعها را تصویر کند، یعنی می‌تواند یاری‌دهنده‌ی ما باشد؛ اما باید ببینیم چه کسی و چگونه این کار را می‌کند. باید حتماً در نظر بگیریم که تصویر کردن یک موضوع، با کشیدن یک تابلو فرق فاحش دارد. به خصوص اینکه گاهی ضرورتاً نقاشی مینیاتور می‌خواهد در کنار مطلبی ترکیب شود. یعنی نوع ترکیب مطلب و تصویر، خود به تنهایی مسأله‌ی مهمی در کمپوزسیون و ترکیب‌بندی تصویری است. اگر ما نگرشی به تصویرسازی داشته باشیم باید بدانیم اینجا با ساختن